

بررسی جایگاه زن در عهد باستان

محسن رحیمی فر*

اشاره

بدون تردید برای دریافت صحیح جایگاه و مقام زن در دوره‌ی مورد بحث (یعنی دوره‌ی هخامنشیان) لازم است تا نگاهی به جایگاه زنان در نزد سایر ملل مشرق زمین و یونان و مصر داشته باشیم چرا که این مقایسه می‌تواند تا حد زیادی ما را به درک علل اهمیت زنان در دوره‌ی هخامنشی رهنمون سازد. بدین منظور در این فصل خواهیم کوشید در حد نیاز، دیدگاه ملل بیگانه نسبت به زن را تبیین کنیم. در این راستا ابتدا مقام و منزلت زنان در بین‌النهرین را مورد بحث قرار می‌دهیم؛ از میان تمدن‌های بین‌النهرین باستان ابتدا به جایگاه زن در نزد سومریان می‌پردازیم؛ سپس جایگاه زن در نزد بابلیان و بعد جایگاه زن در نزد آشوریان. پس از معرفی دیدگاه‌های این تمدن‌ها به ترتیب جایگاه و منزلت زنان در نزد چینیان، رومیان، یونانیان و مصریان باستان را معرفی و تحلیل خواهیم نمود.

مقام و منزلت زنان در بین‌النهرین

بطور کلی حقوق زنان در بین‌النهرین متفاوت با حقوق مردان بوده است. آنان می‌توانستند به راحتی در مکانهای تجاری رفت و آمد کنند؛ خرید و فروش نمایند؛ مالک دارایی‌های خود باشند و در مراسم قانونی حضور پیدا کنند.

«زنان بلند مرتبه‌ای نظیر راهبه‌ها و اعضای خاندان سلطنتی می‌توانستند آموزش خواندن و نوشتن بیینند و موقعیت قابل توجهی در اداره‌ی امور داشته باشند»^۱.

جایگاه زنان در میان دولت شهرهای بین‌النهرین متغیر بود و در طول زمان نیز تغییر می‌یافت. در این دولت - شهرها شکاف و خلاء بزرگی میان حقوق زنان طبقات بالا و پایین وجود داشت (تقریباً نیمی از جمعیت در دوره‌ی بابلی متاخر جزء بردگان بودند) و قدرت زنان و آزادی ایشان در

* کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه شهید بهشتی تهران

۱- Elizabeth, barber, ۱۹۹۴, Women's Work, Washington: Norton, p. ۱۸۲.

طی دوره‌ی آشوریان به میزان بسیاری کاهش یافت. «اولین شواهد موجود در مورد قوانینی که پوشش زنان نخبه را در جامعه الزامی می‌کرد متعلق به دوره بابلی متاخر می‌باشد»^۱.

تاریخ زنان بین النهرین تاریخی دراز و پیچیده است. بخشی از این پیچیدگی ناشی از انشعابها و اختلافهایی است که در تاریخ خود بین النهرین وجود دارد. حال و روز انسان‌های بین النهرین باستان به تبع تمدن‌های مختلف‌شان دچار افت و خیز و تفاوت می‌شود. با هر تفاوتی که در تمدن‌های این منطقه مواجه می‌شویم درمی‌یابیم که نگاه آنان به زن و بویژه به جایگاه و آزادی‌های زن متفاوت شده است. در این مجال به بررسی جایگاه زنان در تمدن‌های مختلف بین النهرین - سومر، بابل و آشور خواهیم پرداخت. از همه جالبتر، دوره آشوری است که از (۹۰۰ تا ۶۰۰ ق.م) ادامه داشت. در طول این دوره قانون بسیار مهمی به نام «قانون ۴۰ آشور میانه» وضع شد که اثرات آن هنوز هم بر وضعیت زنان این منطقه مشهود است. «طبق این قانون، دولت کنترل بر جنس مؤنث را در اختیار خود گرفت و در این راه، برخی را وادار به پوشیدن روبند و برخی را از پوشیدن آن منع کرد»^۲.

از آن دوره به بعد، هر تمدنی که جانشین تمدن قبلی می‌شد آزادی‌های زنان را محدودتر می‌کرد و از جایگاه و شأن زنان، بیشتر می‌کاست و این گونه بود که یک انقلاب مردسالارانه‌ی تدریجی در این منطقه به وقوع پیوست.

جایگاه زن در نزد سومریان

اولین تمدن بین النهرین باستان، سومری (۲۵۰۰ تا ۱۷۵۰ ق.م) بود. در این دوره بیشترین قدرت و شأن زنان در ارتباط با معابد بود. غالباً دختران جوان به عنوان خانه‌دار معابد یا زنان صیغه‌ای نمایندگان زمینی خدایان خدمت می‌کردند^۳. پدران از این که دختران‌شان در راه خدمت

۱- Ibid, p. ۱۸۶.

۲- Bieda, Jessica, ۲۰۰۴, "Women In Mesopotamia", in "www.prv۱ . ezboard.com".

۳- Stephenson, June, ۱۹۸۸, Women's Roots, California: Smith Publishing Co. p. ۵۶.

به مذهب فعالیت می‌کنند احساس غرور و افتخار می‌کردند. آنها گاهی دختران‌شان را از همان زمان تولد وقف خدمت به معابد می‌کردند و جهیزیه‌ی دختران‌شان را نیز به معبد هدیه می‌دادند.^۱ راهبه‌های نین دینگیر (Nin-dingir) هر ساله در ازدواج‌های قدسی که در حضور الهه اینانا برگزار می‌شد حضور می‌یافتند.^۲ احتمالاً ازدواج‌های مقدس برای اولین بار در شهر سومری اوروک که به الهه اینانا تعلق داشت برگزار شده است و این اتفاق احتمالاً پیش از سال (۳۰۰۰ ق.م) صورت گرفته است. مبنای پایبندی و اعتقاد به ازدواج مقدس، این باور بود که باروری زمین و مردم، به قدرت جنسی الهه‌ی باروری بستگی دارد.^۳ ازدواج مقدس بین الهه اینانا و یکی از کشیشان بلند مرتبه (به نمایندگی از خدا) یا پادشاه به نمایندگی از خداوند دوموزی (Dumuzi) صورت می‌گرفت و مراسم آن به مدت دو هزار سال در معابد الهه‌های باروری انجام می‌شد. مراسم نمادین این پیوند اسطوره‌ای در حضور عموم مردم انجام می‌شد و از آن جا که مراسم سرشار از خوشی و لذت بود احتمالاً عبادت کنندگان، در هنگام مراسم، در زمین‌های اطراف معابد اعمال جنسی انجام می‌دادند.^۴ این واقعیت که پادشاه سومر هر سال با یکی از نمایندگان الهه اینانا ازدواج می‌کرد، خود باعث حفظ و بقای قدرت راهبه‌ها می‌شد.^۵ در یونان عهد کلاسیک و روم قبل از مسیح نیز مراسمی شبیه ازدواج مقدس انجام می‌شده است.^۶

یکی از معروف‌ترین زنان تاریخ سومر و یکی از اولین شاعران تمدن غرب، ان هبدو آنا دختر سارگون است. او «کشیش عالی رتبه، الهه ماه بود و نفوذش چنان زیاد بود که بعدها خود او را الهه دانستند».^۷ سبک او در شعر «تمجید اینانا» بعدها سرمشق شاعران دیگر قرار گرفت. به

۱- Ibid. p. ۵۶.

۲- Lerner, Gerda, ۱۹۸۶, "the Origin of Prostitiorr in Ancient Mesopotamia", in *Journal of Women in Culture and Society*, p. ۲۳۹.

۳- Ibid. p. ۲۳۹.

۴- Ibid. p. ۲۴۰.

۵- Stephenson, ۵۶.

۶- Lerner, p. ۲۶۰.

۷- Stephenson, p. ۵۷.

احتمال بسیار قوی او شرع‌های فراوان دیگری نیز داشته که متأسفانه هیچ یک از آنها به دست ما نرسیده است.

در آن دوره قوانین فراوانی وجود داشت که ازدواج‌های اصطلاحاً «قراردادی» را مدون می‌کرد. هر پدر به دختر و همسر خویش جهیزیه‌ای می‌داد که آن دو، مشترک مالک آن بودند اما فقط زن اجازه فروش آن جهیزیه را داشت.^۱ در بحث حقوق والدین نسبت به فرزندان، زن و شوهر از حقوق یکسانی برخوردار بودند. زنی که از طبقه‌ی بالای جامعه بود می‌توانست به امور تجاری خود شخصاً رسیدگی کند. او می‌توانست شخصاً برده داشته باشد یا برده‌های خود را بفروشد. در جامعه‌ی سومری زنای مرد قابل بخشش بود اما از آن جا که هر زن فقط می‌بایست از شوهر خویش صاحب فرزند شود مجازات زن زناکار مرگ بود.^۲ بعلاوه، ارزش زن بواسطه‌ی تعداد بچه‌هایی که به دنیا می‌آورد مشخص می‌شد. اگر زنی صاحب بچه نمی‌شد شوهرش می‌توانست او را طلاق دهد و اگر زنی عمداً از بچه‌دار شدن و زادن فرزند امتناع می‌کرد شوهر می‌توانست قانوناً او را وادار به این کار کند. باید به این نکته توجه داشت که در دوره‌ی مورد بحث، هر چه قدرت و ثروت مرد افزایش می‌یافت از جایگاه و منزلت زنان کاسته می‌شد. مورخان معتقدند که جایگاه و منزلت زن در دوره‌ی اول سومری بیش از دوره‌های بعد این تمدن بوده است.

جایگاه زن در نزد بابلیان:

در حدود سال (۱۷۵۰ ق.م) سومریانی که نیروی خلاق تمدن غرب بوده‌اند مغلوب همسایگان سامی خود یعنی بابلیان شدند و بابلیان همان تمدنی هستند که قانون حمورابی را به تاریخ عرضه کردند.^۳ مورخان توانسته‌اند از قانون حمورابی چیزهای زیادی درباره‌ی روابط زن و مرد و شان و جایگاه زن بیاموزند. طبق این قوانین مرد می‌تواند به هر عنبری از جمله نازایی، زنا و حتی مدیریت ضعیف منزل، زن خود را طلاق دهد. مثلاً یکی از قوانین تصریح می‌کند که «اگر زن،

۱- Ibid. p. ۵۶.

۲- Ibid. p. ۵۹.

۳- Ibid. p. ۵۷.

کدبانوی خوبی نباشد، اگر از منزل غفلت کند، اگر به همسر و فرزندانش توهین کند شوهر می‌تواند آن زن را به آب بیندازد و بکشد». تنها جمله‌ای که برای اجرا کردن طلاق کافی است آن است که شوهر به همسرش بگوید: «تو دیگر همسر من نیستی» و سپس جهیزیه‌اش را پس دهد.^۱ ولی اگر همین جملات را زنی در برابر همسرش به کار برد مستحق مجازات مرگ است. زن نمی‌تواند شوهرش را طلاق دهد مگر این که ثابت کند شوهرش به او ظلم کرده و او علی‌رغم این ظلم، به شوهرش وفادار بوده است. او پس از اثبات این موارد، کافی است به همراه جهیزیه‌اش به خانه‌ی پدری بازگردد. مردی که متوجه ارتباط عاشقانه‌ی همسرش با مرد دیگری شود می‌تواند هم همسر خود و هم آن مرد دیگر را بکشد.^۲

زنان تحت محدودیت‌های خاصی می‌توانستند اموال را مالک شوند، به ارث ببرند و آنها را بفروشند. اگر چه قانون حمورابی به صراحت، ارزش اموال را مشخص کرده و زنان را نیز جزء اموال به حساب آورده است اما اگر مرد فقیری به مردی ثروتمند یا اموال او یا به همسر او آسیبی وارد می‌کرد مجازات او بسیار سنگین‌تر از مجازات مرد ثروتمندی بود که با یک مرد فقیرتر چنین می‌کرد.^۳

اساساً زنان بابلی جزء اموال و دارایی‌های مرد به حساب می‌آمدند. پدر دختر تعیین می‌کرد دخترش با چه کسی ازدواج کند. آنها می‌توانستند دخترشان را با قیمتی توافقی به مردی ثروتمند بفروشند.

ازدواج برای زنان تک‌همسری بود اما مردان می‌توانستند غیر از همسر خود به سراغ فاحشه‌ها بروند یا زنان صیغه‌ای اختیار کنند. زنان طبقه‌ی بالای جامعه، اموال بسیار گران‌بهایی برای مردان خود به حساب می‌آمدند و از این رو مجبور بودند در خانه بمانند. اگر آنها می‌خواستند از منزل بیرون بروند خواجه‌ی منزل که برده‌ای اخته بود و هیچ تهدیدی برای اموال مرد خانه به

۱- Walsh, Elizabeth Miller, ۱۹۸۱, Women in Western Civilization, Cambridge MA: Schendman Publishing co., p. ۲۴.

۲- Ibid. p. ۲۵.

۳- Stephenson, p. ۶۳.

حساب نمی‌آمد او را همراهی می‌کرد.^۱ زنان طبقه‌ی پایین از این حیث از آزادی بیشتری برخوردار بودند گرچه آنها جهیزیه نداشتند. اما جایگاهشان کمی بالاتر از برده بود. اگر چه زنان بابل در مقایسه با زنان دیگر اسلاف سومری خود از جایگاه پایین‌تری برخوردار بودند ولی باز هم از استقلال و حقوق خاصی بهره‌مند بود ند.

آنها می‌توانستند در جایگاه قاضی، شاهد یا کاتب قرار بگیرند. جایگاه این زنان از بسیاری جهات رفیع‌تر از جایگاه زنان در انگلستان و آمریکای قرن نوزدهم بوده است. پر واضح است که گرچه در تواریخ این دوره زنان را با ذکر نامشان ثبت نکرده‌اند اما آنها در مقام راهبه، مدیر تجاری، موسیقی‌دان، کاتب و کارگر نساجی توصیف شده‌اند. نقش اقتصادی آنها در تمدن بابل بسیار آشکار است.^۲

هرودت می‌گوید یکی از زنده‌ترین رسوم و عاداتی که در بابل نظر هر بیگانه‌ای را جلب می‌کند این بود که «هر یک از زنان باید یکبار در عمر خود به یکی از معابد آفرودیت برود و در آنجا خود را تسلیم یک مرد خارجی کند».^۳

در توضیح این رسم باید گفت که بابلیان اعتقاد داشتند دخترانشان قبل از اینکه بخواهند به خانه شوهر روند باید شبی را در این معبد سپری نمایند. باستانی پاریزی می‌گوید که دختران هنگام ورود به معبد، هفت زیور گرانبها داشتند و در برابر درهای هفتگانه یکی از زیورهای خود را تقدیم می‌کردند تا اینکه در نهایت عریان وارد معبد می‌شدند و زینت خدادادی خود را تقدیم می‌نمودند و تنها در این صورت بود که وظیفه دینی خود را بجای می‌آوردند.^۴

در توجیه این عمل مطالب مختلفی نقل شده است. راسل در کتاب خویش می‌گوید: «احتمال دارد همه‌ی این رسوم و عادت ناشی از این بوده باشد که خواسته‌اند باروری زنان را از طریق جلب عنایات خدایان تامین کنند».^۵

۱- Ibid. p. ۶۴.

۲- Ibid. p. ۶۶.

۳- هرودت: *تاریخ هرودت*، مترجم، هادی هدایتی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹، ص ۲۷۲.

۴- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: *خاتون هفت قلعه*، تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۴۴، ص ۲۸۲.

۵- راسل، برتراند: *زنانسوئی و اخلاق*، ابراهیم یوسفی، تهران: انتشارات اندیشه تهران، ۱۳۳۷، ص ۳۷.

جایگاه زن در نزد آشوریان

تمدن بعدی در تاریخ بین النهرین، تمدن آشور (از ۹۰۰ تا ۶۰۰ ق.م) است. در این تمدن شاهد افت شدید حقوق و آزادی‌های فردی زنان هستیم.

جامعه‌ی آشوری جامعه‌ای شبه نظامی بود قوانین آن عموماً سخت‌گیرانه‌تر از قوانین بابل بود.^۱ از نگاه آشوریان زن فقط مولد تولید مثل بود.^۲ آشور نیز مانند هر جامعه‌ی جنگ‌جوی دیگری مردمان را به زاد و ولد بیشتر ترغیب می‌کرد زیرا نیاز مبرمی به سرباز داشت. زنان که فرزند ذکور به دنیا می‌آوردند پاداش می‌گرفتند و از آن سو، زنانی که فرزند مرده به دنیا می‌آوردند و یا سقط جنین می‌کردند مستحق مرگ بودند.^۳ با این وجود آن چه درباره‌ی دوره‌ی آشور از اهمیت خاصی برخوردار است چگونگی پیوند یافتن حقوق زنان با اعصار گذشته و حتی با دوران کنونی است. دلیل این اهمیت، آن است که قوانین آشور میانه (و مهم‌تر از همه، قانون ۴۰ آشور میانه) در طول همین دوره وضع شد.

تقریباً تمام قوانین آشور میانه به نوعی مربوط به زنان است و محدودیت‌های بیشتری را برای زنان ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد که این قوانین، صورت اصلاح شده قوانین حمورابی باشد. قوانین آشور میانه نمونه‌ای از اولین تلاش‌ها برای تنظیم و کنترل فعالیت‌های زنان در بین النهرین است.^۴ به عنوان مثال در قانون ۴۰ آشور میانه درباره‌ی روئیند زنان می‌خوانیم:

نه همسران مردان فرا دست و نه بیوه و نه زنان آشوری حق ندارند بدون پوشش سر خود در خیابان ظاهر شوند. دختران مردان فرا دست نیز نباید بدون روئیند و تنها در خیابان حاضر شوند. زن صیغه‌ای که همراه همسر موقت خود از منزل خارج می‌شود باید خود را با روئیند بپوشاند.

۱- Lerner, p. ۲۴۷.

۲- جوان، موسی: *تاریخ اجتماعی ایران باستان*، تهران: چاپخانه رنگین، ۱۳۴۰، ص ۸۸.

۳- Stephenson, p. ۶۶.

۴- Passman, Christina M., ۱۹۹۱, *Womens studies encyclopedia*, New York: Greenwood Press. P. ۴۵۷.

فاحشه‌ای که به عقد مردی درآمده است نیز نباید بدون روپند بیرون بیاید ولی فاحشه‌هایی که به عقد کسی در نیامده‌اند باید با سر برهنه بیرون بیایند.

دلیل وضع چنین قانونی آن بود که مردم بتوانند در خیابان، زنان «قابل احترام» را از زنان «غیر قابل احترام» تمیز دهند و منزلت دختران قابل احترام بیشتر حفظ شود.^۱ این قانون برای حل مشکلات مذکور، زنان «قابل احترام» را وادار به پوشیدن روپند می‌کرد و سایر زنان را وادار به عریان کردن سرشان می‌نمود. یقیناً می‌توان چگونگی کاربرد این قانون را در جنبه‌های مختلف و تاثیر آن را بر قوانینی که هنوز هم حاکم‌اند مشاهده کرد.

در قانون ۴۰ آشور میانه برای اولین بار اصطلاح، زنان قابل احترام و زنان غیر قابل احترام به روشنی تعریف شد. زن قابل احترام زنی است که جزء اموال یک اشراف‌زاده‌ی آشوری است (خواه همسر او باشد یا بیوه‌ی او و یا دختر وی)، زن صیغه‌ای یا زن درجه دوم نیز هنگامی که با همسر اولش در انظار عمومی ظاهر شود، زن قابل احترام به حساب می‌آید. طبق قانون ۴۰ آشور میانه زنان برده یا فاحشه نباید روپند بپوشند. روپند نشانه‌ی زنان ازدواج کرده است و برای ارزش گذاری در نزد مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۲ برای کسانی که از این قانون تخطی کنند مجازات‌های سختی در نظر گرفته می‌شد. «اگر مردی زن روپند داری را ببیند که مجاز به پوشیدن روپند نبوده باید او را دستگیر کند، او را به قصر بیاورد و علیه او شهادت دهد. قاضیان قصر اجازه‌ی دست درازی به جواهرات او را ندارند و فقط کسی که او را دستگیر کرده می‌تواند لباس‌های آن زن را در آورد. قاضیان قصر می‌توانند با چماق به او پنجاه ضربه بزنند و حتی می‌توانند این ضربه‌ها را به سر او بزنند».^۳ این مجازات، بسیار سمبلیک است زیرا ضرباتی که به سر وارد می‌شود نشان می‌دهد آن سر شأن و منزلت پوشیدن روپند را ندارد.^۴ قانون مذکور

۱- Lerner. P. ۲۳۷.

۲- Ibid, p. ۲۳۹.

۳- Ibid, p. ۲۳۷.

۴- Ibid, p. ۲۳۹.

سخت‌ترین مجازات در این زمینه را برای دختر برده‌ای که روبند پوشیده در نظر گرفته است. چنین دختری لباس‌هایش کنده و گوشه‌هایش بریده می‌شود.^۱

از آنچه گفته شد می‌توان دریافت که زنان بر حسب نوع فعالیت‌های جنسی‌شان طبقه‌بندی می‌شده‌اند. زنانی که در خدمت یک مرد بودند یا به هر نحوی نیازهای جنسی همان یک مرد را رفع می‌کردند و یا تحت حمایت او بودند روبند می‌پوشیدند و از این طریق خود را به عنوان جزئی از اموال شخصی آن مرد می‌شناساندند؛ و زنانی که در چنین جایگاهی نبودند - زنان برده، زنان صیغه‌ای بدون شوهر و فاحشه‌ها - نمی‌بایست روبند می‌زدند. جالب‌ترین جنبه این قانون مربوط به مجازات مردانی بود که موارد نقض قانون روبند را گزارش نکرده باشند: «اگر مردی زن روبنددار متخلفی را ببیند و او را دستگیر نکند و به قصر نیاورد خود آن مرد با چماق، پنجاه ضربه می‌خورد، گوش‌هایش سوراخ می‌شود و یا نخ‌ی از پشت سر به هم دوخته می‌شود و او باید به مدت یک ماه نوکری پادشاه را بکند».^۲

قانون ۴۰ آشور میانه نظام سلسله مراتبی را برای زنان تعیین می‌کند: در رأس این سلسله مراتب، بانوی ازدواج کرده یا دختر مجرد او قرار دارد، پس از زیر او زن صیغه‌ای شوهردار (خواه برده باشد و خواه آزاد) قرار دارد و در پایین این سلسله مراتب زنان فاحشه و زنان برده قرار دارند. تا قبل از وضع این قانون، فاحشه‌های معابد که راهبه‌های نماینده الهه‌ها به حساب می‌آمدند خود مختاری و استقلال داشتند و حتی جزء زنان قابل احترام به حساب می‌آمدند.^۳ طبق قانون ۴۰ آشور میانه ماهیت خدمات جنسی معابد در تعیین قابلیت احترام زنان، عامل موثری به حساب نمی‌آمد زیرا فاحشه‌های معابد نیز مانند فاحشه‌های دیگر نگریسته می‌شدند.^۴ در جامعه‌ی بین‌النهرین باستان بین فاحشه‌های مذهبی و فاحشه‌های تجاری تفاوت آشکاری وجود داشت ولی قانون ۴۰ آشور میانه این تمایز را از میان برداشت. این قانون جایگاه برخی از گروه‌های زنان را

۱- Ibid, p. ۲۴۸.

۲- Ibid, p. ۲۵۰.

۳- Passman, p. ۲۵.

۴- Lerner, p. ۲۵۰.

تنزل داد. آنها را دسته‌بندی کرد و از این رو می‌توان این قانون را یکی از اولین نشانه‌های مداخله‌ی آشکار دولت در قلمرو امور زناشویی به حساب آورد.^۱

جایگاه زن در نزد چینیان

مطالعه‌ی تاریخ چین نشان می‌دهد که آنان بدترین تصور ممکن را نسبت به زنان داشته‌اند. چینیان (۱۵۰۰ سال ق.م). اعتقاد داشتند که خداوند مرد را آفرید و شیطان نیز خلقت زن را بر عهده گرفت.

چینی‌ها در تولد دخترانشان می‌گریستند و معمولاً آنان را در خردسالی می‌فروختند. آنان قربانیان خدایان خویش را معمولاً از میان دختران زیبا روی انتخاب می‌نمودند. چینی‌ها محبت و مهربانی نسبت به زنان را غیر عادی می‌دانسته و آن را نکوهش می‌کردند. این رفتار در حالی نسبت به زنان اعمال می‌شد که آنان فرزند پسر را گرامی‌تر می‌دانسته و پدران با افتخار تربیت آنان را بر عهده می‌گرفتند.^۲

جایگاه و مقام زن در روم

در نزد رومیان زنان و دختران ارزش و جایگاه چندانی نداشتند. دختران پس از ازدواج از مذهب پدری چشم می‌پوشیدند و مذهب شوهر خویش را می‌پذیرفتند. زنان در این زمینه از خود آزادی و اراده‌ی واقعی نداشتند و می‌بایست بصورت تقلیدی از مذهب پدر خود در دوران قبل از ازدواج و از مذهب شوهر خود بعد از ازدواج اطاعت نمایند.

در نزد رومیان ازدواج امری اجباری بود و فقط بخاطر اشخاص و یا بنا بر توافق طرفین صورت نمی‌گرفت. در واقع هدف از ازدواج زن و مرد بر طبق آداب و تشریفات مذهبی ایجاد شخص ثالثی بود که برای ادامه شعائر دینی خانواده لایق باشد.

پلوتارک ضمن تشریح جایگاه نامناسب زنان در این دوران چنین می‌گوید که:

۱- Passman, p. ۴۵.

۲- علویقی، علی اکبر: زن در آینه تاریخ، تهران: بی‌تا، بی‌نا، ص ۳۶.

زنان روم برای شهادت در محاکم هم حق حضور نداشتند.^۱

جایگاه زن در یونان باستان

قوانین آتن به زنان اجازه نمی‌داد که در شغلی مشارکت کنند که ارزش درآمد آنان بالاتر از بهای تقریبی تأمین غذای چند روزه یک خانواده باشد. وی می‌توانست خواروبار مورد نیاز خود را از یک مغازه‌ی محلی تأمین کند اما برای کارهای بیشتر باید از همسرش اجازه می‌گرفت. زن آتنی ممکن بود نسبت به زمینی ادعا داشته باشد اما نمی‌توانست به تنهایی از آن سود برده و یا آن را به فروش برساند.^۲ در آتن باستان بهتر آن است که در مورد دارایی زنان از حقوق سخن بگوییم نه از مالکیت.

زنان به سه طریق از دارایی بهره‌مند می‌شدند: هدایا، جهیزیه و ارث.

زنان آتنی ممکن بود از همسر خود یا دیگر بستگانشان هدیه‌ای چون لباس و جواهر دریافت کنند. ازدواج همراه با جهیزیه در اواخر دوران باستان به صورت یک هنجار اجتماعی مطرح شد و پس از آن ازدواج به عنوان واسطه‌ای برای استحکام بخشیدن و اتحاد در خاندان بود. برخی از پژوهشگران را باور آن است که بی‌میلی مردان آتنی به ازدواج از دلایل مطرح شدن جهیزیه بوده است. اگرچه اجماعی در این مورد وجود ندارد.

جامعه آتن یک جامعه کشاورزی بود و هر شهروندی میزان معینی از دارایی را مالک بود. خانواده به همراه زمین ملکی‌اش یک «اویکوس» (Oikos) نامیده می‌شد. «چون زنان حق مالکیت مزرعه یا مزرعه‌ای را نداشتند و نیز نمی‌توانسته اویکوس خانوادگی را نیز اداره کنند. هر یک از فرزندان که وی به دنیا می‌آورد به خانواده‌اش و یا همسرش تعلق داشت و مهم آن بود که یک وارث مرد داشته باشد».^۳

۱- دوکلانز، فوستل: تمدن قدیم، نصرالله فلسفی، تهران: چاپ افست کیهان، ۱۳۳۳، ص ۸۵

۲- Bloomfield, Leonard, ۲۰۰۴, "Women and Property in Ancient Athens", in www.womenintheancientworld.com.

۳- Ibid.

زنانی که برادر داشتند از پدر چیزی به ارث نمی‌بردند. هر آنچه که دختر از ثروت و دارایی خانواده کسب می‌نمود، در حکم جهیزیه‌ی وی بود. «قوانین مربوط به خانواده‌های بدون فرزند پسر پیچیده‌تر بود. مردانی که چنین وضعیتی داشتند غالباً دختر خود را به عقد پسری در می‌آوردند که تمایل داشت پسر خوانده‌ی آنان شود. با توجه به عدم ارث برای دختران، پدران تلاش می‌نمودند که دختر خود را به عقد بستگان پسر نزدیک چون برادرزاده‌ها و یا خواهرزاده‌ها درآورند»^۱.

زنان در جامعه‌ی آتن از نفوذ اندک و ناچیزی برخوردار بودند و تا پیش از مادر شدن، چندان مورد عنایت نبودند. پس از اینکه زن، فرزندی به دنیا می‌آورد «او را به نزد شوهرش می‌برد، اگر مرد کودک را می‌پذیرفت، بچه زنده می‌ماند در غیر این صورت سرنوشت نوزاد مرگ بود»^۲. این مساله در اسپارت خیلی جدی‌تر بود و نوزاد پس از به دنیا آمدن باید توسط شورایی مورد آزمایش و ارزیابی قرار می‌گرفت که آیا می‌توانست سربازی توانا و دلیر و یا زنی مفید باشد یا خیر. نوزادان نامشروع، غلیل و دارای مشکل جسمی غالباً پذیرفته نمی‌شدند و سرنوشتشان مرگ بود و نوزاد دختر نیز باری بر دوش خانواده محسوب می‌شد. طلاق گرفتن نیز برای زنان تا حد زیادی به نظر مرد بستگی داشت. اگر مرد از همسرش ناخشنود بود و یا به هر دلیلی خواهان طلاق وی بود، زن را پیش روی شاهدانی طلاق می‌داد و یا صرفاً به نزد خانواده‌اش می‌فرستاد. جهیزیه بازگردانده می‌شد و فرزند یا فرزندان به پدر سپرده می‌شدند. زن کلیه حقوقش در مورد فرزندان را از دست می‌داد و اگر مرتکب زنا شده بود، جهیزیه‌اش را نیز باید واگذار می‌نمود. زن در صورتی که خواهان جدایی بود، ناچار بود نظر مساعد یک آرخون (مقامات تصمیم گیر سیاسی در یونان) را جلب نماید.

۱- دورانت، ویلیام: تاریخ تمدن، ج ۴، احمد آرام و دیگران، ج ۵، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶.

۲- Loomer, J. m. ۲۰۰۲, "women of Ancient Greece" in <<www . digitaltermpaper.com>>.

کل دارایی که زن به ارث می‌برد در اختیار همسرش قرار می‌گرفت. «وی حق نداشت، بدون دلیل معینی در شهر بگردد. زن آتنی در حقیقت هیچ حق سیاسی نداشت و در تمام مراحل زندگی‌اش تحت کنترل مردان بود.

از آنجا که مرد اغلب وقت خود را بیرون از خانه می‌گذراند، زنان امر خانه‌داری و پرورش فرزندان را بر عهده داشتند. البته به جز خانواده‌های بسیار تهیدست، در باقی موارد کنیزان امور مربوط به پخت و پز، رفت و روب و حمل آب را انجام می‌دادند.^۱ با این وجود بازدید زن همسایه یا موارد این چنینی در واقع تنها فرصتی بود که زن از کارهای درون خانه دست می‌کشید. علی‌رغم عدم اهمیت زن در جامعه آتن، الهه‌های بسیاری چون الهه‌های جنگ، هنر، دانش، صنعت و خدای شهر آتن (آتنه) خدایان مادینه بودند و آتنیان برای ایشان معابد بزرگی برپا کرده بودند.

زن آتنی از هیچ حق مالکیتی برخوردار نبود و در صورت ازدواج، همسر وی مالکیت کل دارایی‌هایش را بر عهده داشت و در صورت طلاق، این مالکیت به پدر و یا نزدیک‌ترین خویشان مرد وی منتقل می‌شد. زنان از حقوق اندکی و به عبارتی تنها از برخی حقوق اجتماعی برخوردار بودند. ایشان دارای حق رأی نبوده و سهمی در اداره جامعه نداشتند. مجاز به تماشای بازی‌های المپیک نبودند چرا که شرکت کنندگان در مسابقات عریان بودند. ارابه رانی تنها مسابقه‌ای بود که زنان، آنهم اگر اسبی داشتند می‌توانستند در آن شرکت کنند.

وظایف اجتماعی که زنان در آن نقشی عمده داشتند، مراسم ازدواج، برخی جشن‌ها و مراسم مذهبی بود. «تسموفوریا» (Thesmophoria) رخدادی مذهبی بود که از زنان انتظار می‌رفت در آن شرکت کنند. مردان از شرکت در این مراسم برحذر داشته شده و تنها زنان متأهل حق شرکت در آن را داشتند. در این مراسم زنان به قربانی و اهدای عطایایی به الهه‌ها اقدام می‌کردند. همچنین جشنواره دیگری نیز به نام هالوا (Haloa) بود که زنان در آن شرکت می‌کردند و برای نکو داشتن و حفظ کشت و زرع به بزرگداشت «دمتر» (Demeter) دخترش

۱- Firth, J. R., ۲۰۰۴, "What Was The role of Women in Athens?", in <www.angelfere.com/cav/ancientchix>.

«کور» (kore) و خدای دریا «پوزیدون» (Posidon) می‌پرداختند. کاوش‌های باستان‌شناسی حاکی از آن است که زنان نقش عمده‌ای در حیات مذهبی آتن بر عهده داشته‌اند.

بخش دیگری از وظایف اجتماعی زن، نقش وی در مراسم سوگواری و خاکسپاری بود. در این مورد چه در نوشته‌های باقی مانده و چه در آثار تاریخی، مدارک و شواهدی در دست است.

زنان نقش مهمی در آماده ساختن مردگان برای دفن داشتند. در مراسم تشییع، زنان به شراب افشانی می‌پرداختند. این تنها زمانی بود که زنان، مقدم بر مردان حرکت می‌کردند. مطابق قوانین سولون شمار بستگان زن محدود بود (اصولاً سولون تا اندازه‌ای از شدت و حدت مراسم خاکسپاری کاست تا نمایش متظاهرانه‌ی ثروتمندان را محدود کند. در روزهای سوم و نهم مراسم، زنان به فراهم نمودن غذا و شراب برای سازندگان آرامگاه می‌پرداختند.

سولون (سیاستمدار و قانونگذار مشهور آتن، نیمه اول قرن ششم ق.م) همچنین قانونی وضع کرد که بر مبنای آن رفتار و ظاهر زنان باید قاعده‌مند و از بی‌میالاتی و ولنگاری آنان در این مراسم‌ها جلوگیری می‌شد. گریه و زاری و زخمی نمودن مردگان و نوحه سرایی نیز محدود شد. از نظر سولون اعمالی که تحت تاثیر اندیشه زنان صورت گرفته باشد اعتباری ندارد.^۱

البته نگاه‌ها به زن متفاوت بود. برخی آنها را مادران شهروندان و از این لحاظ دارای شان و شخصیت می‌دانستند. با این وجود زنان حتی در خانه‌ی خود از نگاه حریص مردان محافظت می‌شدند تا دامنتان پاک بماند. گزنفون نجابت زن را در خانه نشستن او می‌داند نه بیرون رفتن.^۲

آن‌ها کمتر به جامعه دسترسی داشتند و فعالیت‌های اجتماعی آنان محدود بود. سیمونیدس (Simonides) نویسنده، زنان را حیواناتی می‌دانست که صورت انسان دارند و منشأ آشوب‌اند. زنان را موجوداتی جنسی می‌دانستند که قادر به کنترل تمایلات جنسی خود نبوده و از این رو باید به نفع خودشان محدود می‌شدند. سیمونیدس بر آن بود که «زنان همه چیز مردان، اعم از

۱- دورانت، ویلیام، تاریخ تمدن، فتح الله مجتبیایی، ج ۲، تهران: انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۶، ص ۶۰.

۲- ماله، آلبر و ایزاک زوال: تاریخ ملل مشرق، ج ۲، ابوالحسن هژیر، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۲، ص ۲۵۷.

قدرت جنسی و جسمی آنها، خوراک و ثروتشان را تحلیل می‌برند و منشا همه‌ی پلیدی‌ها محسوب می‌شدند. اما بدون ایشان جامعه از میان می‌رود».

اورپید (Euripides) (نویسنده و نمایشنامه‌نویس قرن پنجم پیش از میلاد در یونان) در کتابش موسوم به مدآ (Meda) در مورد زنان چنین می‌نویسد: «اگر فقط بچه را می‌شد از طریق دیگری جز جنس مادینه پدید آورد و اگر زن وجود نداشت، انسان از همه بدبختی‌هایش نجات می‌یافت.»

بسیاری از مردان چنین می‌اندیشیدند که زنان تنها برای تولید مثل به وجود آمده‌اند. نقش‌هایی که از زنان بر سفالینه‌ها باقی مانده، غالباً دختران رقاصه و یا فاحشه‌ها را نشان می‌دهد و این نشان دهنده‌ی آن است که مردان ارج و اهمیت اندکی برای این طبقه قایل بودند چرا که ایشان بردگانی در خدمت امیال مردان، تصویر شده‌اند.

مردان آتنی بسیار بیش از آن که برای زنان خود اهمیتی قایل باشند به الهه‌ها احترام می‌گذاشتند. نقش‌های موجود بر سفالینه‌ها و گلدان‌ها و تندیس‌ها و معابد باشکوه الهه‌ها (Goddess) و نیز سروده‌های هومر همگی حکایت از آن دارد که یونانیان برای خدایان مادینه بسی ارزش قایل بودند. اما به ندرت تصویر یک زن معمولی را در آثار بجای مانده و یا در اسطوره‌ها شاهدیم. ستون‌های کم کیفیت باقی مانده، حکایت از آن دارد که زنان بخش زیادی از وقت خود را در مزارع و روستاها تنها جایی که می‌توانستند از هوای تازه بهره‌مند شوند، سپری می‌کردند.

کار و آزادی که زن آتنی از آن بهره‌مند بود، به نحو چشمگیری به پایگاه اجتماعی وی بستگی داشت. در یونان باستان سه طبقه‌ی عمده از زنان وجود داشتند: زنان متأهل که ناچار بودند در خانه بنشینند، بافندگی کنند و پرورش فرزندان را بر عهده گیرند براساس عرف یونان، شهروندان زن متأهل دارای احترام و حقوق اجتماعی بودند و مجاز نبودند جز در مراسم‌های مذهبی، خانه را رها کنند. گروه دیگر زنان صیغه‌ای بودند که وضع قابل تعریفی نداشتند (بیوه‌ها و بردگان و دخترانی که توسط پدر و مادرشان به دست نیستی سپرده شده و ناچار از فحشا بودند)

این جماعت بی‌آنکه قانونی آنها را محدود کند آزادانه در جامعه پرسه می‌زدند. گروه دیگر، زنانی بودند (Hetaerae) که نسبت به زنان شوهردار از تربیت بیشتری برخوردار بودند. آنان تنها اگر مزد بالایی از سوی مردان دریافت می‌نمودند، با آنها همراه می‌شدند و مردان را در جشنها و میهمانی‌ها می‌پذیرفتند. زنان هتایرای (Hetairai) تنها ملازمان جنسی مردان نبودند بلکه به لحاظ فکری و اجتماعی نیز در کنار آنها بودند. گر چه ایشان همچون فاحشه‌ها از حقوق اجتماعی برخوردار نبودند اما گاه برای مردان نقش همسر را بازی می‌نمودند. با این حال فرزندان آنها نامشروع بود و از حقوق شهروندی بی‌بهره. آنها بر خلاف زنان شوهردار به آزادی در جامعه فعالیت داشتند و غالباً از هنرهایی چون رقص، موسیقی، آواز و نیز بحث‌های فکری و فلسفی بهره‌مند بودند.

جمعیت زیادی از بردگان زن در یونان حضور داشتند که بیشتر اسیران جنگ‌ها بودند و در خانه‌ی شهروندان به عنوان دایه - پرستار و در کارگاه‌ها به بافندگی مشغول بودند. آنها از هیچ حقوقی برخوردار نبوده و در سایه عنایت ارباب و خانم خود زندگی می‌کردند.^۱

کار عمده‌ی زنان طبقه‌ی بالا، مدیریت امور خانه و پرورش بچه‌ها و نیز مراقبت از بردگان بود. مشاغل ایشان عبارت بود از رفت و روب، ریسندگی و بافندگی و تولید جامه برای اهالی خانه. زنانی که از طبقه‌ی مستمند بوده و توان تهیه برده را نداشتند ناچار بودند در مزارع و یا در فروشگاه‌ها در کنار مردان به کار مشغول شوند. مدارک و نوشته‌های باقی مانده حکایت از آن دارد که این گروه از زنان مشاغلی چون فروش نوارهای پارچه‌ای و میوه‌چینی داشتند. آریستوفان (Aristophan) طنزنویس و نمایشنامه‌نویس بزرگ قرن پنجم پیش از میلاد یونان، در نمایشنامه‌های خود غالباً زنان را با عناوینی چون مهمانخانه‌دار، پرستار شب، آشپز، سبزی‌فروش، عطر فروش، غسل فروش و غیره خطاب قرار داده است.

برخی از یونانیان نیز همچون چینی‌ها، می‌پنداشتند که زن نیروی اهریمنی دارد و قابل تربیت نیست.^۲

۱- ویل دورانت: همان، صص ۳۳۰-۳۴۵.

۲- علویقی: همان، ص ۳۰.

زنان در دولت - شهر اسپارت

در اسپارت دختران در انتخاب همسر خود، دخالتی نداشتند و ازدواج در اسپارت مطابق نظر پدران و مادران انجام می‌شد. (با توجه به اهمیت خدمت نظامی در اسپارت) قدرت بدنی و اندام متناسب در انتخاب مردان، بالاترین اهمیت را داشت دیگر یونانیان بر این باور بودند که زنان اسپارتی از قدرت بالایی در جهت نفع کشور برخوردار بودند. پلوتارک می‌نویسد:

«مردان اسپارت همواره از زنان خود اطاعت می‌کنند». ارسطو که نسبت به حق سیاسی برای زنان بسیار انتقاد داشت، بر آن بود که این مساله در سقوط این کشور موثر بوده است.^۱ زنان اسپارتی اگرچه رأی در مجلس نداشتند اما گویی در تصمیم‌گیری‌های پشت پرده نفوذ داشته‌اند. زن اسپارتی می‌توانست مالک باشد و در واقع زنان اسپارت مالک یک سوم زمین‌های آن سرزمین بودند و در صورت تمایل، قدرت واگذاری آن را داشتند. بعلاوه، دختران در کنار پسران از ارث بهره داشتند.

دختران احتمالاً نصف پسران از ارث بهره‌مند می‌شدند و این احتمال وجود داشت که در صورت ترکیب سهم ارث و جهیزیه، کل دارایی را با خود ببرند. پوشش آنان طوری بود که قدرت تحرک بیشتر داشته باشند. زنان و دختران اسپارتی همزمان با پسران و در کنار ایشان به فعالیت‌های ورزشی مشغول می‌شدند و چه بسا با تن‌عریان در برابر جمعیت مختلط، نمایش اجرا می‌کردند. پلوتارک به این گونه مراسم‌ها اشاره نموده است. پایان قرن چهارم و آغاز قرن پنجم شاهد کاهش جمعیت مردان نسبت به زنان بوده است. در این صورت، احتمالاً مردان با کمبود همسر رو به رو بوده‌اند و چه بسا همسر دوست خود را برای داشتن فرزند به عاریت می‌گرفته‌اند. از این رو ازدواج بیشتر برای به دست آوردن فرزند بوده است تا نیازهای عاطفی یا اجتماعی. لیکورک قانون‌گذار اسپارتی، قرض دادن زن به مرد صالح را مجاز می‌دانست و بر همین اساس سقراط زن خود را به «الکاییداس خطیب» قرض داد.^۲

۱- بروسیوس: همان، ص ۱۵۲.

۲- نقیایی، حسام: سیر تکاملی حقوق زن در تاریخ و سیرایع، تهران: چاپخانه بدیع، ۱۳۴۲، ص ۴۶؛ علویقی، همان، ص ۳۰.

زنان آتنی و اسپارتی بخش زیادی از اوقات خود را به دور از مردان جامعه سپری می‌کردند. مردان آتنی بخش زیادی از ساعت زندگی را در بحث‌های سیاسی می‌گذراندند و به هنگام بازگشت به خانه، از زن خود توقع اطاعت محض داشتند و نظر سیاسی یا اجتماعی وی را بر نمی‌تابیدند. مردان اسپارتی از این هم کمتر در کنار زنان بودند.

با اینکه تنها مردان اسپارت در اداره‌ی امور شرکت داشتند اما کسی نمی‌تواند منکر نفوذ زنان آنان شود. اگرچه ازدواج زنان اسپارت احتمالاً از سلطه و اعمال نظر مردان کمتر متاثر بود اما آنان کمتر احساسات را در ازدواج خود دخالت می‌دادند. زن اسپارتی ماشین زاد و ولد بود که سربازانی جسور برای حفظ کشور از تجاوز و آشوب بیگانگان و هلوته‌ها (بردگان اسپارتی Helots) به دنیا می‌آورد. عشق مادر جای خود را به غرور وی که در شجاعت پسرش به هنگام نبرد تجسم می‌یافت داده بود و همچنین تنفر از بزدلی و ترس داده بود. جمله‌ی «به خانه برگرد یا با زره و یا بر زره» اندرز مشهوری بود که مادر اسپارتی به فرزندش به هنگام عزم وی برای جنگ، می‌داد.

تفاوت زنان اسپارتی با زنان آتنی

۱. دختران اسپارتی هم در زمینه‌ی هنر و هم ورزش به خوبی آموزش می‌دیدند.
۲. آنان به اعتلای توان فکری خود تشویق می‌شدند.
۳. آنان مالک بیش از یک سوم زمین‌ها بودند.
۴. میان سن زنان اسپارتی و همسرانشان تفاوت اندکی بود و دختران آنان کمی دیرتر از دختران آتنی ازدواج می‌کردند.
۵. شوهران اسپارتی، اوقات بسیاری را با دیگر مردان در آموزش‌های نظامی و جنگ صرف می‌کردند و چون مردان به ندرت در خانه بودند، زنان آزاد بودند که کلیه وظایف خارج از خانه را انجام دهند.

۶ مادران اسپارتی فرزندان خود را تا هفت سالگی بزرگ می‌کردند و سپس دولت عهده‌دار این امر می‌شد و پدران در تربیت فرزندان نقش ناچیزی داشتند. (خود این امر به افزایش نفوذ زنان کمک می‌نمود).

بنابر آن چه گفتیم بدیهی است زنان آتنی فاقد ویژگیهای مذکور بودند

جایگاه زنان در مصر باستان

برخوردی که مصر با زنان داشت، بسیار بهتر از برخورد دیگر تمدن‌های باستان بود. مصریان معتقد بودند که لذت و شادی، اهداف مشروع زندگی‌اند. آنها خانه و خانواده را منبع اصلی خوشی و لذت می‌دانستند.

در جهان باستان، ریاست مرد در منزل، امری کاملاً بدیهی و پذیرفته شده بود. البته این واقعیت از نظر زنان در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، معنایی متفاوت داشت. «در مصر باستان همواره ازدواج و تولیدمثل، امور مطلوبی به حساب می‌آمدند اما در برخی جوامع، زنان بردگان خانگی شوهرانشان به حساب می‌آمدند.

بی‌تردید زنان مضمی هم در مصر باستان وجود داشته‌اند که با رسوم متداول و سلطه‌ی مردان مخالف بوده‌اند و با نیروی شخصیت خود بر خانه و خانواده تسلط داشتند، اما این نوع زنان را باید استثناء دانست.

زنان مصری از دو جهت بخت و اقبال خوبی داشتند:

۱- به غیر از این نکته که زنان جز در موارد خاص نمی‌توانستند به مقام فرعون‌ی برسند در بقیه موارد، حقوق برابری با مردان داشتند. آنها می‌توانستند صاحب ملک شوند، پول قرض بگیرند، قراردادهای امضا کنند، تقاضای طلاق کنند، در دادگاه‌ها در جایگاه شهود قرار گیرند و ... طبیعتاً آنها از حیث مسئولیت‌ها و وظایف‌شان نیز با مردها برابر بودند.

۲- عشق و حمایت عاطفی، بخش مهمی از ازدواج محسوب می‌شد. مصریان فرزندان خود را دوست داشتند و این دوست داشتن به خاطر خود بچه‌ها بود نه به این دلیل که آنها می‌توانند در آینده، سربازان یا کارگران خوبی باشند.^۱

اگر چه مردان آتنی ازدواج را یک تکلیف مدنی خود می‌دانستند و زمان انجام این تکلیف را تا سن ۳۰ سالگی به تعویق می‌انداختند (و از آن پس نیز با دختری ۱۵ ساله ازدواج می‌کردند تا آن دختر را از جمیع جهات در کنترل خود داشته باشند)، اما مردان و زنان مصری برای معاشرت و معاشرت با یکدیگر ارزش زیادی قائل بودند و از هم لذت می‌بردند. به نظر آسان، عشق یکی از جنبه‌های مهم زندگی بود و ازدواج، یکی از اصلی‌ترین نیازهای هر کس از هر طبقه به شمار می‌رفت.

نکته‌ی جالب توجه آن است که در هیچ یک از منابع، ذکری از مراسم ازدواج مصریان به میان نرفته است. ما از آن دوره، اسناد مربوط به طلاق را در اختیار داریم، می‌دانیم که زنا ممنوع بوده، می‌دانیم که در آن دوره هر کسی می‌دانسته که کدام زن و مرد، همسر یکدیگرند اما از مراسم ازدواج در آن دوره هیچ سند و مدرکی در دست نداریم.

بعضی از محققان، معتقدند که عدم وجود اطلاعات در این باره، تصادفی است و بواسطه‌ی ضعف منابع تاریخی است؛ اما بسیاری از محققان معتقدند که در واقع در آن دوره اصلاً مراسم ازدواج وجود نداشته است: از هنگامی که یک زوج شروع به زندگی زیر یک سقف می‌کرده‌اند زن و شوهر هم به حساب می‌آمده‌اند. اگر این گونه باشد باید بگوییم که ازدواج‌های مصر باستان بسیار شبیه مفهوم «ازدواج عرفی» در جوامع مدرن آمریکای شمالی است. البته در دوره‌های بعد مراسم ازدواج تابع نظم و قانون ویژه‌ای شد و حتی ازدواج با محارم نیز شکل گرفت. «بطلمیوس دوم مرد بی‌قید و بندی بود و هر لحظه را با زنی می‌گذراند. وی سرانجام زن خود را طرد کرد و با خواهرش «ارسی نونه» ازدواج کرد و همین ملکه‌ی جدید بود که بر مصر حکومت می‌کرد.^۲

۱- Thompson, James C., ۲۰۰۳, "Women in Ancient Egypt", in "www.Womenintheancientworld.com".

۲- دورانت، ویلیام: تاریخ تمدن، ج ۳، هوشنگ پیرنظر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۷۵.

از روی نقاشی‌های بر جای مانده بر قبرها می‌توان دریافت که نقش کلیشه‌ای زن مصری، نقش همسر و مادر است و شوهر، ریاست منزل را به عهده دارد. «زن در درون خانه و به دور از نور خورشید کار می‌کند و به همین دلیل رنگ پوست زنان مصری روشن‌تر از مردان است. زنان مصری لاغر و زیبا به نظر می‌رسند گو این که مردان مصری شکم بزرگی دارند که نشانه ثروت و قدرت آنهاست. از روی این نقاشی‌ها می‌توان دریافت که زنان اشراف زاده کار نمی‌کنند اما زنان دیگر مصری به کارهایی چون رقصی، اجرای موسیقی، آشپزی، فاحشگی در معابد، کار مزرعه و مانند آن می‌پردازند.

اما در مجسمه‌ها برعکس نقاشی، فقط زنان اشراف زاده به نمایش درآمده‌اند. در مجسمه‌های بر جای مانده از آن دوره، زن معمولاً در کنار همسر و خانواده‌اش نشان داده شده است و معمولاً از حمایت فیزیکی همسرش برخوردار است چرا که در اکثر این مجسمه‌ها، بازوی شوهر به دور گردن یا روی شانه همسرش قرار دارد. به ندرت می‌توان مجسمه‌ای از این دوره یافت که فقط یک زن در آن دیده شود.»^۱

زنان مصر باستان نیز همچون اکثر زنان تمدن‌های دیگر باستان، فقط امکان حضور در طیف خاصی از مشاغل را داشتند. زنان مصر باستان در سنی ازدواج می‌کردند که مردان شروع به آموزش‌های شغلی خود کرده بودند. طبیعتاً این زنان باید همسر و مادری خوب در خانه می‌بودند. البته زنان می‌توانستند در بعضی از ادوار نماینده رسمی شوهرشان باشند. مثلاً اگر مردی نمی‌توانست برای مدتی در سر کار خود حاضر شود همسر او مسئولیت‌های تجاری شوهرش را بر عهده می‌گرفت. اگر زنی از طبقه بالای جامعه، شغلی برای خود نمی‌یافت می‌توانست در مقام راهبه یکی از خدایان یا الهه‌ها، شغلی مذهبی برای خود دست و پا کند. از زنی که در این شغل کار می‌کرد انتظار می‌رفت به تمام امور معبد رسیدگی نماید.

۱- Seawright, caroline, ۲۰۰۱, "Women in Ancient Egypt" in "www.thekeep.org".

زنان با استعداد می‌توانستند در صنعت‌های موسیقی، بافندگی و تدفین فعالیت کنند (در صنعت تدفین، زنان با دریافت پول، هنگام دفن مرده به مرثیه خوانی می‌پرداختند). البته زنان نخبه می‌توانستند در منصب‌های حرفه‌ای مثل ناظر داخلی یا مدیر داخلی فعالیت کنند. اما هنگامی که بحث حقوق زن و مرد پیش می‌آید می‌بینیم که در مصر باستان، زنان و مردانی که از یک طبقه هستند قانوناً از حقوق یکسانی برخوردارند. زنان باستان می‌توانستند ارث بگیرند، صاحب برده شوند و املاک و دارایی‌های خود را مطابق میل خود، خرید و فروش کنند (گو این که پس از ازدواج، این حق آنها در عمل اندکی محدودتر می‌شد). زنان مصر باستان می‌توانستند به اراده خود تا آخر عمر مجرد بمانند بی آن که تحت حمایت مردی در آیند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

۱. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: *خاتون هفت قلعه*، تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۴۴.
۲. جوان، موسی: *تاریخ اجتماعی ایران باستان*، تهران: چاپخانه رنگین، ۱۳۴۰.
۳. دورانت، ویلیام: *تاریخ تمدن*، ج ۲، احمد آرام و دیگران، ج ۵، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
۴. دورانت، ویلیام: *تاریخ تمدن*، ج ۳، هوشنگ پیرنظر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. دورانت، ویلیام: *تاریخ تمدن*، فتح الله مجتبابی، ج ۲، تهران: انتشارات فرانکلین ۱۳۳۹.
۶. دوکلاتز، فوستل: *تمدن قدیم و نصرالله فلسفی*، تهران: چاپ افست کیهان، ۱۳۴۳.
۷. راسل، برتراند: *زن‌شویی و اخلاق*، ابراهیم یوسفی، تهران: انتشارات اندیشه تهران، ۱۳۳۷.
۸. علویقی، علی اکبر: *زن در آینه تاریخ*، تهران: بی تا، بی تا.
۹. ماله، آلبر و اینزاک ژوال: *تاریخ ملل مشرق*، ج ۲، ابوالحسن هژبر، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۲.
۱۰. نقیایی، حسام: *سیر تکامل حقوق زن در تاریخ و سوابق*، تهران: چاپخانه بدیع، ۱۳۴۲.
۱۱. هرودت: *تاریخ هرودت*، مترجم، هادی هدایتی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
۱۲. Bieda, Jessica, ۲۰۰۴, "Women In Mesopotamia", in " www , ezboard.com".
۱۳. Stephenson, June, ۱۹۸۸, *Women's Roots, California: Smith Publishing Co.*
۱۴. Lerner, Gerda, ۱۹۸۶, "the Origin of Prostitiorr in Ancient Mesopotamia", in *Journal of Women in Culture and Society.*
۱۵. Walsh, Elizabeth Miller, ۱۹۸۱, *Women in Western Civilization*, Cambridge MA: Schendman Publishing co.
۱۶. Passman, Christina M., ۱۹۹۱, *Womens studies encyclopedia*, New York: Greenwood Press.
۱۷. Bloomfield, Leonard, ۲۰۰۴, "Women and Property in Ancient Athens", in www.womenintheancientworld.com.
۱۸. Loomer, J. m. ۲۰۰۲, "women of Ancient Greece" in "[www . digitaltermpaper.com](http://www.digitaltermpaper.com)".
۱۹. Firth, J. R., ۲۰۰۴, "What Was The role of Women in Athens?", in "www.angelfere.com/ca3/ancientchix".
۲۰. Thompson, James C., ۲۰۰۳, "Women in Ancient Egypt", in "www.Womenintheancientworld.com".